

مبانی تمدن‌سازی در تفکر مصطفی سباعی^۱

ثمانه نادری

دانشجوی دکتری تاریخ اسلام، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه لرستان، خرم‌آباد، ایران.

مجتبی گراوند^۲

دانشیار گروه تاریخ، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه لرستان، خرم‌آباد، ایران.

سید علاءالدین شاه‌رخ

استاد گروه تاریخ، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه لرستان، خرم‌آباد، ایران.

داریوش نظری

دانشیار گروه تاریخ، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه لرستان، خرم‌آباد، ایران.

چکیده

در قرن نوزدهم میلادی، در پی مواجهه چندجانبه متفکران مسلمان با تمدن غرب، مباحثی پیرامون نقد وجوه ناهمساز این تمدن با فرهنگ اسلامی و بازسازی بنیان‌های نظری لازم برای حرکت به‌سوی طرح نوسازی تمدن و فرهنگ اسلامی مطرح شد. مصطفی سباعی، اندیشمند سوری، در این چارچوب اصلاحی و باتکیه‌بر آموزه‌های سوسیالیسم، کوشید تا طرحی از مختصات تمدن‌ساز را در دین اسلام ارائه دهد. مهم‌ترین ویژگی‌های این طرح - که به اعتقاد او جوامع اسلامی را همواره به‌سوی تمدنی مرفعی رهنمون ساخته و تحولات سیاسی و اجتماعی صدر اسلام نیز مصداق تحقق‌یافته آن است - عبارت‌اند از: ظرفیت دین اسلام برای برقراری عدالت اقتصادی و اجتماعی، احترام به دموکراسی، توجه به عقل و دانش، برقراری وحدت در جامعه، و تسامح و مدارا با ادیان مختلف. پژوهش حاضر بر آن است تا به تشریح و ارزیابی مهم‌ترین این ویژگی‌ها و عناصر تمدن‌ساز در دین اسلام، از دیدگاه مصطفی سباعی، بپردازد.

کلیدواژه‌ها: مصطفی سباعی، دین اسلام، عناصر تمدن‌ساز، سوسیالیسم اسلامی.

۱. تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۱۱/۰۷؛ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۰۴/۱۶

۲. رایانامه (مسئول مکاتبات): garavand.m@lu.ac.ir

مقدمه

با رویارویی تمدن نوین غرب با ساختارهای تمدنی و فرهنگی سنتی جهان اسلام، چالش‌های جدی درباره ماهیت و علل تفاوت‌های تمدنی میان جهان اسلام و پیشرفت‌های غرب در کشورهای مختلف شکل گرفت. مهم‌ترین عامل، تمرکز بر جهان‌بینی مادی و تفکیک‌ناپذیری ابعاد تمدن اسلامی و غربی بود (صانعی دره‌بیدی، ۱۳۷۶: ۵، ۱۱، ۴۷؛ دورانت، ۱۴۰۱: ۱۱۳). دانشمندان مسلمان، با اشاره به تلاش‌های غرب برای تضعیف ساختارهای تمدن‌ساز در کشورهای اسلامی و تأکید بر افتخارآفرینی تاریخی گذشته خود، به بازنگری وضعیت فرهنگی و تمدنی خویش در مواجهه با تمدن غرب پرداختند. این تلاش‌ها، در قالب تألیفات علمی و پژوهشی متعددی نمود پیدا کرد. به عنوان مثال، در پاسخ به کتاب «تاریخ عمومی تمدن در اروپا» نوشته «گیزو» (د. ۱۲۹۰ق)، دانشوران مسلمان، زوایای پنهان این موضوع را بررسی کرده‌اند که ازجمله آنان می‌توان سید امیرعلی (د. ۱۳۴۷ق)، شمس‌الدین سامی (د. ۱۳۲۲ق)، عبدالرحمن برقوکی (د. ۱۳۶۳ق) و محمد کردعلی را (د. ۱۳۷۲ق) را نام برد (کردعلی، ۱۹۶۸: ۱-۲؛ امیرعلی هندی، ۱۸۷۳: ۳۴۱-۳۴۴؛ طه‌طاوی، ۲۰۱۱: ۱۵).

مصطفی سباعی (۱۳۳۴-۱۳۸۴ق/ ۱۹۱۵-۱۹۶۴م)، دانشور و متفکر سوری، پس از سفرهای متعدد به کشورهای اروپایی و اتحاد جماهیر شوروی، با نقد ضعف‌های نظام سرمایه‌داری و مدرنیته غربی، درصدد ارائه الگوی تمدن اسلامی مبتنی بر قوانین و تئوری‌های اسلامی برآمد. وی با تأکید بر سوسیالیسم اسلامی، به جست‌وجوی مؤلفه‌های تمدن باشکوه در آموزه‌های فلسفی و اجتماعی اسلام پرداخت و مفاهیمی چون سوسیالیسم و دموکراسی را با آن تطبیق داد. کتاب «من‌روایع حضارتنا» (۱۴۱۸ق/ ۱۹۹۸م) نمایانگر این دیدگاه در بررسی تمدن اسلامی است. با توجه به اهمیت واکاوی اندیشه‌های دانشمندان اسلامی، این مقاله به بازشناسی نظرات مصطفی سباعی در بازسازی موقعیت تمدن

اسلامی با رویکرد سوسیالیسم اسلامی می‌پردازد. پرسش‌های اساسی این مقاله عبارت‌اند از: چرا سباعی از آموزه‌های سوسیالیسم تأثیر پذیرفت و به آن روی آورد؟ سباعی در این راستا چه دستاوردهای کاربردی و اصیل نظری در باب تمدن جدید اسلامی ارائه داد؟ او چگونه باتکیه بر آموزه‌های اساسی سوسیالیسم، طراحی تمدن اسلامی را ارائه کرد؟ و سرانجام، الگوی ارائه شده توسط وی چه میزان اعتبار و کارآمدی دارد؟

در این مقاله، تلاش‌های مصطفی سباعی برای طراحی الگویی از تمدن اسلامی مبتنی بر هم‌گرایی عناصر حقوقی و اجتماعی تمدن اسلامی با مبانی نظری سوسیالیسم (که آن را «سوسیالیسم اسلامی» می‌نامد) بررسی می‌شود و به پایه‌های نظری مؤلفه‌های کلیدی در شکل‌گیری این تمدن اسلامی موردنظر او پرداخته می‌شود.

پیشینه تحقیق

کتاب «صفحات من جهاد متواصل» نوشته محمد بسام الاسطوانی (د. ۱۳۸۴)، به بررسی اندیشه‌های مصطفی السباعی می‌پردازد. محمد الحسنای نیز در مقاله «مرجعية الحياة في أدب الحركة الإصلاحية مصطفى السباعي نموذجاً في كتابه، هكذا علمتني الحياة» (۱۴۲۵ق) به سیر جنبش اصلاح طلبانه، زندگی و تفکرات مصطفی سباعی می‌پردازد. مقاله «الفکر الإصلاحی والوعی بقضايا الاستشراق» نوشته حسان عبدالله حسان (د. ۱۳۸۴)، به بررسی اندیشه‌های اصلاح طلبانه و آگاهی سباعی از موضوعات شرق‌شناسی می‌پردازد. در مقاله‌ای با عنوان «بررسی تطبیقی آرای حسن‌البناء و مصطفی السباعی رهبران اخوان المسلمین مصر و سوریه درمورد حکومت» نوشته سیده لیلا تقوی سنگدهی (۱۳۹۶)، بخشی از رویکردهای سباعی به موضوع تمدن، به‌ویژه رویکرد «سوسیالیسم اسلامی» او، با رویکرد حسن‌البناء مقایسه شده است. پایان‌نامه «سیر مناسبات اخوان المسلمین با حکومت سوریه» نوشته فریدون عربی راوند (۱۳۹۵)، به بررسی روابط اخوان المسلمین و حکومت سوریه می‌پردازد. محمدرضا عربزاده قره‌قانی‌نژاد در

پایان نامه‌ای با عنوان «بررسی نقش و تأثیر حزب و تفکر اخوان المسلمین در بحران سوریه» (۱۴۰۳) به بررسی دیدگاه‌های مصطفی سباعی، از رهبران کلیدی اخوان المسلمین، پرداخته است. هدف نویسنده، فراتر از شناخت رویکردهای سباعی، تشریح ابعاد سیاسی و اجتماعی جنبش اخوان المسلمین از منظر عملکرد و دیدگاه‌های رهبران آن است. با این حال، هنوز هیچ مقاله یا رساله مستقل و جامعی با موضوع بررسی تخصصی اندیشه‌ها و رویکردهای تمدنی مصطفی سباعی منتشر نشده است.

مصطفی سباعی و فعالیت‌های سیاسی و اجتماعی

مصطفی سباعی در ۱۳۳۴ ق در حمص سوریه متولد شد. پس از اخذ مدرک دکترای حقوق اسلامی، مدتی به عنوان رئیس دانشکده فقه اسلامی و مدرس حقوق در دمشق فعالیت کرد (فراستخواه، ۱۳۷۷: ۲۳۸؛ دکميجان، ۱۳۷۷: ۲۰۳). برگزاری جلسات سیاسی و دینی در منزل پدری، زمینه‌ساز ورود او به این حوزه‌ها شد و وی به عنوان چهره‌ای برجسته در این عرصه شناخته شد. با توجه به سیاست‌های استعماری فرانسه در سوریه، سباعی، همسو با پدرش شیخ حسن سباعی، به مقابله با استعمار پرداخت (سایت عقیده، ۱۳۹۴: ۹۱). این موضع، موجب دستگیری‌های متعدد وی از سوی مقامات فرانسوی گردید (طنطاوی، ۲۰۱۱: ۱۱-۱۲؛ عقیل، ۲۰۰۵: ۵۳۷) و در ادامه، مبارزه علیه استعمارگران انگلیسی را نیز ادامه داد (زرزور، ۲۰۰۰: ۱۰۱-۱۰۲).

یکی از مهم‌ترین بخش‌های زندگی سیاسی و اجتماعی سباعی، آشنایی با حسن البنا و پیوستن به جبهه اخوان المسلمین مصر است (طنطاوی، ۲۰۱۱: ۱۲؛ زرزور، ۲۰۰۰: ۱۱۹-۱۱۳). در راستای این پیوستن، تلاش کرد گروه‌های پراکنده جبهه اسلامی را متحد و سنگ بنای گروه اخوان المسلمین سوریه را بگذارد. هدف او از این گروه احیای اسلام و رفع شکاف موجود بین دنیای عرب به منظور مقابله با جناح‌های استعماری بود (ذوالفقاری، ۱۳۸۹: ۱۱۸-۱۱۹؛ رایسنر، ۲۰۰۵: ۱۳۱-۱۳۲). این گروه، برخلاف اخوان المسلمین

مصر، از روش‌های مسالمت‌آمیز برای نیل به اهداف خود بهره می‌جست و به دنبال تشکیل حکومت دینی از طریق خشونت نبود (سباعی، ۱۳۵۷: ۹). با توجه به تحصیلات سباعی در رشته فقه در دانشگاه الازهر، وی مجله‌ای با عنوان «المنار» در حوزه‌های فقه، اخلاق و اجتماع منتشر کرد (عقیل، ۲۰۰۵: ۵۴۲-۵۴۳؛ زررور، ۲۰۰۰: ۱۹۴-۲۰۳). پس از اخذ مدرک دکتری و عضویت در شورای مؤسسان سوریه، تلاش‌هایی برای ادغام برخی اصول اسلامی در قانون کشور انجام داد (زررور، ۲۰۰۰: ۲۳۳-۲۴۴، ۲۵۱؛ دلال، ۲۰۰۷: ۱۹-۳۲). از دیگر اقدامات مهم سباعی در دوران حیاتش می‌توان به تأسیس دانشکده شریعت در دانشگاه دمشق، تأسیس مدرسه المعهد العربی الاسلامی برگزاری جلسات هفتگی «قاعه‌البحث» برای آموزش و راهنمایی دانشجویان در امور اسلامی (سایت عقیده، ۱۳۹۴: ۹۲-۹۳)، تدوین دائرةالمعارف فقه اسلامی و مهم‌تر از همه، تأسیس مجله «مسلمون و حضارة الإسلام» اشاره کرد (طنطاوی، ۲۰۱۱: ۱۶-۱۷؛ هاشم عثمان، ۲۲۱؛ عقیل، ۲۰۰۵: ۵۴۶).

از مهم‌ترین تألیفات سباعی، کتاب «مِنْ رَوَائِعِ حَضَارَتِنَا» است. او در این اثر به دستاوردهای تمدنی و سیر پیشرفت‌های آن در جامعه اسلامی و تأثیرگذاری این تمدن بر جوامع غربی پرداخته است. سباعی در این کتاب، ضمن اشاره به این نکته که تمدن غربی، زیربنای توسعه خود را با پشت کردن به دین، معنویت و اخلاق بنا نهاده و همین عامل به رواج خودکشی‌ها و یأس و ناامیدی در این کشورها منجر شده است، به شاخص‌ها و ویژگی‌های مهم و مثبت تمدن اسلامی نیز اشاره می‌کند.

«سوسیالیسم اسلامی» عنوان کتاب دیگری است که وی آن را با اشاره به موضوع تمدن و تحت‌تأثیر تحولات سیاسی آن زمان، از جمله تشکیل دولت سوسیالیستی جمال عبدالناصر در مصر، نگاشته است. محور اساسی این کتاب به این موضوع می‌پردازد که جامعه اسلامی بر مبنای حکومتی عادلانه و مشارکت همه‌جانبه شکل گرفته است؛ به‌گونه‌ای که در آن، مالک اصلی ثروت و منابع عمومی، تنها خداوند است. در چنین

صورتی می‌توان مانع از سودجویی ثروتمندان یا تشکیل گروه‌های مال‌اندوز شد. براین‌اساس، رویکردهای تمدنی سبائی حول محور سوسیالیسم اسلامی و برقراری حکومتی منطبق بر آن که در آن سهم طبقات مختلف اجتماعی در چارچوب عدالت اسلامی محفوظ می‌ماند، شکل می‌گیرد (سبائی، ۱۳۵۷: ۴۵-۴۶). سبائی در مجموع ۲۱ اثر را به رشته تحریر درآورده است که می‌توان در آن‌ها به بازخوردهای تفکرات وی در عرصه تمدن پی برد. از جمله مهم‌ترین این آثار شامل «سنت و جایگاه آن در قانون‌گذاری اسلامی»، «احکام زوجین»، «احکام روزه و فلسفه آن»، «دعوت اسلامی: واقعیت نه رؤیا»، «اخلاق اجتماعی ما»، «دین و دولت در اسلام»، «بزرگان ما در تاریخ»، «زن در میان فقه و قانون»، «این‌گونه زندگی به من یاد داد»، «خاورشناسی و خاورشناسان» و مهم‌تر از همه «سوسیالیسم اسلام» است که در ایران با عنوان «جامعه توحیدی اسلام و عدالت اجتماعی» ترجمه و منتشر گردیده است (دلال، ۲۰۰۷: ۱۹).

سبائی و معنای تمدن

تمدن از جمله مفاهیم کلیدی است که تعاریف متعددی برای آن ارائه شده است. اندیشمندان در جوامع مختلف، اعم از اسلامی و غربی، هر کدام با توجه به معیارهای توسعه‌یافتگی، تعابیر متفاوتی از این مفهوم ارائه کرده‌اند. از جمله این تعاریف می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

- عقلانیت پیشرفته
- توسعه روابط اجتماعی و اقتصادی
- فرهنگ متعالی
- نظم اجتماعی پایدار
- خلاقیت فرهنگی
- مدیریت غرایز انسانی

نکته حائز اهمیت این است که علی‌رغم تنوع تعاریف، میان اکثر صاحب‌نظران در این اصل اتفاق‌نظر وجود دارد که تمدن به‌مثابه پیشرفت، قابلیت تأثیرگذاری بر تمامی ابعاد جامعه را داراست. از آنجاکه ساحت‌های مختلف جامعه در تعامل دوسویه با یکدیگر قرار دارند، این تأثیرپذیری متقابل امری اجتناب‌ناپذیر است (اباذری، ۱۳۹۰: ۲-۳).

سباعی با اتخاذ رویکردی نظام‌مند، تمدن را مفهومی چندبعدی و فرافکن می‌داند که نمی‌توان آن را به حوزه‌ای خاص تقلیل داد. از منظر وی، دین به‌مثابه یک پارادایم جامع، ظرفیت ایجاد زیرساخت‌های ضروری برای توسعه همه‌جانبه اجتماعی را داراست. این دیدگاه، رشد چندبعدی جامعه را نه به‌عنوان محصول تمدن، بلکه به‌عنوان عینیت یافتن ماهیت حقیقی تمدن تفسیر می‌کند. از نظر او تمدن به مفهوم پیشرفت و تعالی و دست‌یابی انسان به سعادت است (السباعی، ۱۴۱۸: ۳۹) که با اجرای فرهنگ اسلامی محقق خواهد شد. بر اساس دیدگاه مطرح شده، تحقق تمدن متعالی در گرو پابندی به چارچوب‌های دین اسلام در سطح جامعه است. این چارچوب‌ها شامل رعایت قوانین اسلامی، ایجاد وحدت میان اقوام مختلف، برقراری عدالت اقتصادی و اجتماعی، توجه به پیشرفت‌های اقتصادی، پابندی به اصول دموکراسی، رعایت آزادی‌های مشروع، پرورش خردورزی و عزت‌نفس، احترام به حقوق اجتماعی و حفظ محیط‌زیست و حقوق حیوانات می‌شود تمدن اسلامی به‌عنوان یک نظام جامع، سهمی ماندگار در توسعه ایمان، علم، اخلاق، هنر، ادبیات و پیشرفت‌های علمی بشریت داشته است. مهم‌ترین ویژگی‌های ممتاز این تمدن شامل تکیه بر مبانی معنوی، ایجاد وحدت میان نژادها و ملیت‌های مختلف، اولویت‌دادن به اخلاق و دانش، و همچنین برخورداری از روحیه تساهل و مدارای مذهبی با پیروان دیگر ادیان است. این ویژگی‌ها نشان‌دهنده جامعیت و تعالی این تمدن در ابعاد مختلف حیات انسانی است (همان: ۳۵-۳۸).

مؤلفه‌های تمدن‌ساز

۱. دین و معنویت

مصطفی سباعی با محوریت بخشیدن به دین اسلام به عنوان اساس شکل‌گیری نظامی معنادار و ساختارمند در جوامع اسلامی، بر نقش کلیدی آن در فرآیند سیاست‌گذاری و مدیریت امور اجتماعی بر مبنای چارچوب‌های نوین حکمرانی تأکید داشت. او اعتلای تمدن اسلامی را مهم‌ترین رسالت خویش می‌دانست و معتقد بود رعایت شاخص‌های این تمدن، ضامن توسعه و پیشرفت جامعه اسلامی است. به باور او، روند تحولات تمدنی در جوامع اسلامی نشان‌دهنده تأثیر عمیق آموزه‌های دینی و اخلاق اسلامی بر نظام قانون‌گذاری این کشورهاست - ویژگی‌ای که جوامع غربی فاقد آن بودند. (همان: ۴)

مصطفی سباعی با الهام از سیاست‌های گروه اخوان المسلمین و فعالیت‌های فرهنگی مرتبط در رسانه‌ها و نشریات، بر این باور بود که دین اسلام تمامی ارکان لازم برای ایجاد جامعه متعادل و تمدنی متعالی را در خود دارد؛ تمدنی که بتواند به اهداف آرمانی در حوزه سیاسی، اقتصادی و فرهنگی دست یابد (زرزور، ۲۰۰۰: ۱۶۳-۱۶۴).

از دیدگاه او، مفهوم «سوسیالیسم اسلامی» نشان‌دهنده انعطاف‌پذیری اسلام در تطابق با مقتضیات زمان و تحقق سعادت دنیوی و اخروی جوامع بود که در نهایت به تشکیل جامعه‌ای رستگار می‌انجامید (الحسینی، ۱۳۷۷: ۱۴۱-۱۴۲). به اعتقاد سباعی، اسلام همه ملزومات ایجاد حکومتی کامل و شکل‌گیری تمدنی با قابلیت‌های رشدیافته مادی و معنوی را داراست. این دیدگاه با تعریف ساموئل هانتینگتون از تمدن متعالی به عنوان عالی‌ترین سطح هویت فرهنگی بشر همخوانی دارد (امیری، ۱۳۷۴: ۱۷-۴۷). سباعی با استناد به آموزه‌های اسلامی، التزام به احکام و قوانین دین اسلام را شرط اساسی بقا و برتری تمدنی جوامع مسلمان بر تمدن‌های معاصر می‌دانست. او برای اثبات این مدعا به آیه ۱۱۰ سوره آل عمران استناد می‌جست که می‌فرماید: «كُنْتُمْ خَيْرَ أُمَّةٍ أُخْرِجَتْ لِلنَّاسِ تَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ

وَتَتَّبِعُونَ عَنِ الْمُتَكِرِّ وَتُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ» (شما بهترین امتی بودید که برای هدایت انسان‌ها برانگیخته شدید، درحالی‌که امر به معروف و نهی از منکر می‌کنید و به خدا ایمان دارید). سباعی رعایت سنت نبوی را از ارکان اساسی دین‌داری می‌داند. از دیدگاه او، سنت شامل مجموعه‌ای از اقوال، افعال و تقریرات پیامبر اسلام (ص) است که به‌عنوان الگوی عملی برای امت اسلامی در تمام عرصه‌های دینی و اجتماعی عمل می‌کند (السباعی، ۱۳۵۷: ۶۵). سباعی با تحلیل تطبیقی سیره نبوی، آن را الگوی بی‌نظیر رهبری جامعه اسلامی می‌داند که با دقتی علمی و روشمند - برخلاف سیرت پیامبران بزرگ ادیان دیگر مانند حضرت موسی و حضرت عیسی که به اعتقاد مسلمانان دستخوش تحریف شده‌اند - به دست ما رسیده است. از دیدگاه او، این سیره تمام مؤلفه‌های ضروری برای مدیریت جامعه هوشیارانه را در خود دارد، هم در بعد حکومت‌داری و نظام سیاسی و هم در بعد تحقق سجایای اخلاقی. به باور سباعی، سیره پیامبر اسلام (ص) جامعیتی بی‌نظیر دارد که هم نیازهای مادی و هم نیازهای معنوی بشر را تأمین می‌کند و عامل تکامل انسان در هر دو بعد است (سباعی، ۱۳۹۲: ۱۰-۵۴). سباعی در کتاب «من روائع حضارتنا»، اخلاق و معنویت را کلید تزریق آرامش به جوامع می‌داند. او با اشاره به تجربه غرب، توضیح می‌دهد که اگرچه کشورهای غربی پس از تلاش برای پیشرفت مادی از کلیسا روی گرداندند و اهداف توسعه‌ای خود را با بهبود ساختارهای رفاهی محقق ساختند، اما به دلیل فقدان اخلاق و معنویت، با معضلات اجتماعی مانند خودکشی، ناامیدی و افسردگی مواجه شدند. سباعی معتقد است که غرب برای نجات تمدن خود، دوباره به اخلاق، معنویت و دین روی آورده است. به‌عنوان مثال، او به وجود «انجمن‌های دانشجویان مسیحی» در دانشگاه‌های اروپایی اشاره می‌کند که به‌صورت هفتگی سمینارهایی با حضور روحانیون برگزار می‌کنند و به تبیین اصول دین می‌پردازند. همچنین، او به دریافت مالیات ویژه از مردم آلمان توسط دولت به نام کلیسا اشاره می‌کند که هدف آن کمک به کلیسا در انجام پروژه‌های توسعه دین است (السباعی، ۱۴۱۸: ۵-۶).

۲. یکپارچگی اقوام و ادیان

در راستای پیشرفت مادی و معنوی جوامع، اراده‌گرایی و احترام به حقوق و آزادی‌های انسانی - با تأکید بر تساهل و مدارا - از جمله الزامات و شاخصه‌های بلوغ تمدنی به شمار می‌روند. (نهج البلاغه، نامه ۵۳). در تحلیل سباعی، برابری ذاتی انسان‌ها در خلقت الهی مورد تأکید قرار گرفته است، به گونه‌ای که تنها معیار برتری افراد را تقوای آنان می‌داند (السباعی، ۱۴۱۸: ۳۸، ۴۸، ۵۵). این دیدگاه، تمام اقوام را اعضای یک ملت واحد و برابر تلقی می‌کند که گویی از یک اصل و نسب مشترک برخوردارند.

از دیگر مبانی تمدن‌سازی در اندیشه اسلامی از منظر سباعی، اصل تسامح و مدارا با اقلیت‌های دینی و پرهیز از هرگونه تعصب در تعامل با آنان است (السباعی، ۱۴۱۸: ۶۳). این نگرش ریشه در باور به مالکیت حقیقی خداوند بر جهان هستی دارد. با الهام از الگوی تمدن اسلامی، دین اسلام امکان پرورش استعداد‌های تمامی انسان‌ها را فراهم می‌آورد و بستری مناسب برای یک زندگی شرافتمندانه و مطلوب، برای تمامی اقلیت‌های دینی و نژادی ایجاد می‌کند (پولادی، ۱۳۹۰: ۲۰۷-۲۰۸). پذیرش اصل تسامح و مدارا در جامعه اسلامی، به حدی اهمیت دارد که این اصل به عنوان «مادر تمدن انسانی اسلام» شناخته می‌شود. (زرین‌کوب، ۱۳۸۱: ۲۱-۲۳) برنامه‌های اصلاحی انبیا و مصلحان همواره معطوف به رفع نابرابری‌های اجتماعی و اقتصادی بوده و نحوه مدیریت جوامع مختلف نیز بر اساس میزان موفقیت در این زمینه ارزیابی شده است (سباعی، ۱۳۵۷: ۲۵). سباعی معتقد است که با عدم جدایی دین از سیاست و رعایت اصل تدریجی‌بودن در اجرای شریعت توسط دولت صالح، می‌توان به توسعه استعداد‌های اقوام و ادیان مختلف که رکن اصلی توسعه یک جامعه است، امیدوار بود (علیخانی، ۱۳۸۴: ۴۷۸-۴۷۹).

به باور او، در صورت استقرار یک نظام عادلانه اسلامی، تمامی افراد جامعه، اعم از مسلمان و مسیحی، از مزایای آن بهره‌مند خواهند شد. چنین نظامی به معنای پیروزی یک دین بر دین دیگر یا موضع‌گیری مسلمانان علیه مسیحیان نیست، بلکه یک ثروت قانونی

شگرف است که در صورت به‌کارگیری صحیح تحت نظارت اندیشه‌های روشن، می‌تواند به ایجاد نظامی باشکوه منجر شود که آرزوی همگان است (سباعی، ۱۳۵۷: ۴۱).

۳. سوسیالیسم اسلامی و برقراری عدالت اجتماعی و اقتصادی

در کتاب سباعی، هرچند نشانه‌هایی از دیدگاه‌های تند ضدکمونیستی او دیده می‌شود، اما به‌طورکلی او به تشکیل حکومتی اسلامی با رویکرد سوسیالیسم معتقد بود. مفهومی که بر برابری و توزیع عادلانه امکانات متمرکز است تا رفاه عمومی را تأمین کرده و انسجام اجتماعی را تقویت کند. از دیدگاه سباعی، چنین نظامی می‌تواند جامعه‌ای پیشرفته و متمدن ایجاد کند؛ زیرا از انباشت بی‌رویه سرمایه در دست فردی خاص جلوگیری کرده و بستر مشارکت عمومی را فراهم می‌آورد که در نهایت به کاهش فقر و فساد منجر می‌شود. البته از نظر او، این دیدگاه به معنای نفی مالکیت فردی یا پیروی از سبک تفکر کمونیستی نیست (سباعی، ۱۳۵۷: ۱۰-۱۱).

در تعلیمات سوسیالیستی، اولویت با توجه به نیاز اکثریت جامعه و تلاش برای توزیع منصفانه ثروت و امکانات میان مردم است، بی‌آنکه لزوماً توانایی‌ها و استعدادهای فردی را مدنظر قرار دهند. در این رویکرد که سباعی آن را ترویج می‌کرد، دولت به‌عنوان عامل اصلی سیاست‌گذاری نقش کلیدی دارد و موظف است شرایطی را مهیا سازد که تمامی افراد جامعه به‌صورت عادلانه از امکانات رفاهی بهره‌مند شوند. این موضوع دقیقاً با آنچه در آموزه‌های دین اسلام بر آن تأکید شده، هماهنگ است (صفایی‌پور و سجادیان، ۱۳۹۵: ۲۳۰). به باور سباعی، سوسیالیسم انواع مختلفی دارد و آنچه اهمیت دارد، سازگاری آن با اصول اسلامی است. به همین دلیل، او در موضوعاتی مانند آزادی بازار برای رقابت‌های سودمند، ارزش‌های اخلاقی و دینی موردتوجه کمونیسم و همچنین مسئله جامعه طبقاتی، با دیدگاه‌های کمونیستی مخالفت می‌کند. سباعی بر این باور است که سوسیالیسم اسلامی می‌تواند دو هدف اصلی را تحقق بخشد: نخست، تأمین حقوق طبیعی اعضای جامعه؛

دوم، تدوین قوانینی که بر همکاری متقابل مردم استوار باشد و ضمانت اجرایی این قوانین را فراهم کند. در نگاه سباعی، هدف از سوسیالیسم نظارت مؤثر دولت بر منابع عمومی و ایجاد مسئولیت اجتماعی است. این نظارت به گونه‌ای طراحی شده که برقراری توازن در جامعه را ممکن ساخته و به حفظ کرامت انسانی کمک کند، به طوری که افراد فقیر و ضعیف جامعه به حال خود رها نشوند. چنین دیدگاهی در ادیان مسیحیت و یهودیت نیز بر پایه اصل برابری مطرح شده و از اهمیتی مشابه برخوردار است (سباعی، ۱۳۵۷: ۴۵-۴۶).

۴. رفاه اقتصادی

یکی از عناصر اساسی در شکل‌گیری یک جامعه متمدن، ارتقای امکانات زندگی شهری و فراهم کردن رفاه نسبی برای شهروندان است. در این راستا، آیات متعددی در قرآن کریم به ضرورت پرداخت زکات اشاره دارند. سباعی با تأکید بر نقش زکات در کاهش محرومیت‌های اقتصادی، آن را یکی از ارکان اساسی حکومت اسلامی معرفی می‌کند و بر این باور است که تمامی پیامبران بر اساس آیات قرآن به این حکم پایبند بوده‌اند. او همچنین معتقد است که اسلام فقر را به عنوان یک پدیده اصیل و ذاتی یا بخشی از شئون طبیعی زندگی نمی‌پذیرد، بلکه آن را نتیجه عواملی مصنوعی و غیرطبیعی می‌داند. از دیدگاه سباعی، دین اسلام تمامی قوانین لازم برای تضمین رفاه و سعادت بشری را به صورت کامل ارائه کرده و مال و رفاه را در کنار دین، جان، نسل و عقل یکی از ضروریات حیاتی شمرده است (سباعی، ۱۳۵۷: ۶۰ - ۶۱). مالکیت خصوصی در چارچوب آنچه در موضوع سوسیالیسم اسلامی مطرح شده، به معنای بهره‌برداری مشروع افراد از دارایی‌های مادی است، با این تأکید که تمامی این مادیات در اصل متعلق به خداوند هستند؛ بنابراین، انسان برای مدیریت این دارایی‌ها به الگویی مدیریتی نیاز دارد که بر مبنای آموزه‌های دینی طراحی شده باشد (سباعی، ۱۳۵۷: ۱۲). سباعی با انتقاد از روش‌های نادرست مدیریت اقتصادی، به ویژه در نظام‌های کمونیستی، تأکید می‌کند که این دولت‌ها در تحقق حکومتی آرمانی که

با منافع و مصالح مردم همخوانی داشته باشد، موفق نبوده‌اند. این ناکارآمدی به‌ویژه در مسائل اقتصادی به‌صورت آشکار نمایان است (سباعی، ۱۳۵۷: ۳۸-۳۹). به‌عنوان مثال، کمونیست‌ها با محدودکردن زندگی انسان به ابعاد مادی نظیر خوراک، پوشاک و مسکن، جایگاه والای انسانی او را نادیده گرفته و او را تنزل داده‌اند (سباعی، ۱۳۵۷: ۴۱). به گفته او، یکی از ارکان اساسی در توزیع عادلانه ثروت عمومی، وقف یا به‌نوعی همان ملی‌سازی املاک و فراهم‌کردن شرایط استفاده عمومی از دارایی‌ها محسوب می‌شود. در این روش، دولت‌ها با اقداماتی مانند جلوگیری از واگذاری دارایی‌ها به افراد بی‌کفایت، عمومی‌کردن اموال بی‌وارث و ممانعت از تمرکز ثروت در دست عده‌ای خاص، بر اصل ملی‌سازی این دارایی‌ها تأکید می‌ورزند. همچنین، از دیگر ابزارهای مؤثر در مدیریت صحیح اقتصادی می‌توان به استفاده از مالیات، خمس، زکات و موارد مشابه اشاره کرد که به‌عنوان راهکاری برای کنترل مالکیت خصوصی و محدودکردن سودجویی افراد در نظر گرفته می‌شوند (سباعی، ۱۳۵۷: ۱۵). بر اساس دیدگاه سباعی، دین اسلام برای انسان حق مالکیت و کسب درآمد را به رسمیت شناخته و توصیه کرده است که هر فرد می‌تواند متناسب با تلاش و توانایی خود برای دستیابی به اهداف مادی کوشش کند (سباعی، ۱۳۵۷: ۱۰۵). بااین‌حال، این تلاش باید بر پایه اصول مشروع و مطابق با قوانین الهی انجام شود (سباعی، ۱۳۵۷: ۱۱۲). در این راستا، توجه ویژه به حقوق کارگران و افراد زحمت‌کش جامعه و تأمین دستمزد عادلانه، از جمله مسائلی است که در احادیث پیامبر اکیداً مورد تأکید قرار گرفته است. همچنین، دولت اسلامی موظف است با اتخاذ تدابیری همچون جلوگیری از احتکار و کنترل گرانی، و نیز تدوین قوانین اقتصادی اثربخش، از حقوق طبقه کارگر و اقشار مختلف جامعه حمایت کند (سباعی، ۱۳۵۷: ۱۳۲-۱۴۴). در مجموع، از دیدگاه سباعی، قوانین اقتصادی در اسلام که در زمان پیامبر برای تحقق عدالت اجتماعی و اقتصادی وضع شده بودند، امروز مورد توجه کشورهای غربی نیز قرار گرفته‌اند. او در این خصوص می‌نویسد: «اروپا بعد از تحمل یک بحران سنگین اقتصادی در سال ۱۹۲۹ اندیشهٔ تشکیل سازمان‌های

کار و کارگری و تأمین کارگر را برای جلوگیری از شیوع بیکاری دنبال کرد، درحالی که اسلام قوانین تکافل اجتماعی و ضرورت اعمال آن را سیزده قرن قبل اعلام کرده بود، بدون آنکه سرزمین و محیطی که اسلام در آن ظهور کرد -عربستان- شرایط و عوامل اقتصادی داشته باشد.»

۵. دموکراسی

به باور سباعی، تحقق سوسیالیسم اسلامی در گام نخست مستلزم تشکیل یک حکومت صالح است که پایه‌های آن می‌تواند بر دموکراسی و نظام پارلمانی استوار باشد (علیخانی، ۱۳۸۴: ۴۷۸-۴۷۷). پس از این مرحله، باید به تدوین قوانینی پرداخت که ریشه در قوانین اسلامی داشته باشند؛ چراکه در اسلام تمامی اصول و قواعد لازم برای اداره کشور بیان شده و همین امر نیز هسته اصلی مفهوم سوسیالیسم اسلامی را تشکیل می‌دهد. بر اساس برداشت او، کشورهای اسلامی در فضای سیاسی دموکراسی را به این معنا تلقی می‌کنند که حاکمان در تمامی ابعاد آن باید زمینه جلوگیری از سلطه فردی برای انباشت ثروت از طریق سرمایه را فراهم آورند. درعین حال، با رعایت منافع اکثریت جامعه، نظارت بر فعالیت‌های اقتصادی افراد را اعمال کرده، مسئولیت مشترک اسلامی را ترویج دهند و برای رفع فقر، گرسنگی، و همچنین حذف هرگونه تبعیض گام بردارند. فقر از یک سو عامل محرومیت، تحقیر، و توهین به کرامت انسانی است و از سوی دیگر می‌تواند به قساوت و تباهی فطرت انسانی منجر شود که همه این موارد یقیناً با حقوق اکثریت در تضاد است (سباعی، ۱۳۵۷: ۲۷-۲۹).

او یکی از مخالفان سرسخت استبداد بود و بر این باور بود که حکومت‌ها باید متعهد به قوانین باشند، قوانینی که معمولاً بر اساس نظر و رأی مردم شکل می‌گیرد. او دولت اسلامی را مهم‌ترین پایه و عامل تحقق عدالت در جامعه می‌دانست. ازاین‌رو، مشارکت و ورود دولت در امور ملت را ضروری تلقی کرده و معتقد بود که دولت اسلامی در حوزه‌هایی

که شرع در مورد آن‌ها حکمی ارائه نکرده، تا زمانی که چنین اقداماتی به ایجاد مشکل یا مسئله خاصی در جامعه منجر نشود، می‌تواند دستورات لازم را صادر کند (سباعی، ۱۳۵۷: ۱۶). سباعی بار دیگر تأکید می‌کند که مفهوم دموکراسی با برداشت کمونیست‌ها تفاوت بنیادینی دارد. به نظر او، اگرچه کمونیست‌ها بر شعار دموکراسی اصرار می‌ورزند، اما در عمل، اقدامی که همسو با آنچه اسلام پیشنهاد داده باشد انجام نمی‌دهند و در واقع تمام امور به طور مطلق در اختیار حاکمان قرار دارد، نه اکثریت مردم (سباعی، ۱۳۵۷: ۲۰۴). او الگوی اصلی برای تحقق دموکراسی را حکومت پیامبر معرفی می‌کند. از دیدگاه سباعی، پیامبر اولین شخصیتی بود که بدون استفاده از فشار و اجبار توانست اقشار متنوع جامعه آن زمان را به هم نزدیک کند و با همین ابزار، در برابر تجاوز دشمنان و کینه‌توزی آنان از حکومت خود دفاع نماید (سباعی، ۱۳۹۲: ۱۱). به گفته او، در همین زمینه پیامبر پیش از ایجاد حکومت اسلامی، از گروه‌های مختلف جامعه دعوت به عمل آورد و افرادی را برای آگاهی‌بخشی به مردم برگزید تا آنها بتوانند با آزادی و اختیار خود دعوت او را بپذیرند. به این ترتیب، زمینه برای تشکیل یک حکومت مبتنی بر مردم فراهم شد. همچنین، هجرت پیامبر از مکه به مدینه نیز در همین راستا و برای بنانهادن حکومتی بر اساس رای و نظر مردم صورت گرفت (سباعی، ۱۳۹۴: ب: ۲۰ - ۲۱). از دیدگاه سباعی، پیامبر انتخاب حاکم پس از خود را به نظر و اجماع مردم واگذار کرد و ابوبکر نیز بر اساس رای و اجماع جامعه برگزیده شد. او حتی برای تأکید بیشتر بر این موضوع، یعنی اهمیت رای مردم و معیار بودن آن در تعیین حاکم بعد، به نظر امام علی (ع) در این زمینه اشاره دارد: «روزی که علی (ع) ضربت خورد، جندب بن عبدالله خدمت وی رسید و پرسید: ای امیرالمؤمنین اگر خدای ناخواسته شما را از دست دادیم آیا با حسن بیعت کنیم؟ فرمود: شما را نه به این کار فرمان می‌دهم و نه از آن نهی می‌کنم. شما به کار خود بیناترید.» (سباعی، ۱۳۹۴: الف: ۲۴-۲۵). البته دموکراسی مدنظر سباعی با نمونه‌های غربی و کمونیستی متفاوت است و مسلمانان را از گرفتاری در آن برحذر می‌دارد (سباعی، ۱۳۵۷: ۲۶-۲۵).

۶. مبارزه با استعمار

یکی از عوامل اصلی که باعث تضعیف خودباوری جامعه اسلامی در زمینه تمدن‌سازی شد، استعمار و تجاوز سیاسی کشورهای غربی به سرزمین‌های ضعیف بود. این مداخلات به ایجاد فضایی فرهنگی علیه پیشرفت‌های تمدنی جوامع اسلامی انجامید. سباعی با تأکید بر اهمیت این مسئله توضیح می‌دهد که مسلمانان باید با تکیه بر دین به عنوان یک عامل کلیدی برای حکمرانی و توسعه جوامع انسانی، به مقابله با دشمنان خارجی و مبارزه با استعمارگران پردازند. این رویکرد می‌تواند زمینه‌ساز ارتقای تمدن اسلامی شود. همان‌گونه که الجزایر با ایستادگی در برابر استعمارگران توانست مسیر رشد و شکوفایی خود را هموار کند (سباعی، ۱۳۵۷: ۳۹). او در مقابل تلاش‌های جامعه غربی برای مقابله با اسلام معتقد است که جامعه اسلامی باید از توطئه‌های غربی‌ها برحذر باشد و در این خصوص می‌نویسد: «برتری و چیرگی اندیشه‌های فرهنگی غرب با ایجاد جوی از اعجاب و شگفتی، ما مسلمانان را نسبت به میراث فرهنگی و عقیدتی خود و صلاحیت و امکان هماهنگی آن با تحولات جدید، به‌ویژه در حوزه اقتصاد دچار تردید ساخت و حتی اندیشه پلیدی که نزدیک به یک قرن یا بیشتر استعمار غربی، تبلیغ می‌کرد و در مراکز فرهنگی ما تبلیغ می‌شد به مخیله برخی از مدعیان آزادی و بینش علمی سرایت کرد که رمز عقب‌ماندگی و انحطاط ملل مشرق‌زمین، به‌ویژه کشورهای اسلامی پایبندی آن‌ها به دین است تا جایی که بی‌پروا و آشکارا دین را عامل تخدیر ملت‌ها و نوکر سرمایه‌داری و حامی استعمار معرفی می‌کند» (سباعی، ۱۳۵۷: ۲۵-۲۶). سباعی بر این باور است که غربی‌ها حتی به منظور استعمار به شرق‌شناسی روی آورده‌اند و با پایان جنگ‌های صلیبی، تلاش‌های آن‌ها برای نفوذ و تجاوز به اشکال مختلف به جوامع اسلامی همچنان ادامه یافت (حسان، ۲۰۲۰: ۶۵).

۷. احترام به حقوق اعضای جامعه و حیوانات

سباعی بیان کرده است که یکی از ارکان اصلی تمدن‌سازی در دین اسلام، توجه به تمامی اقشار و گروه‌های مختلف جامعه محسوب می‌شود. ویژگی‌های این دیدگاه شامل نرم‌خویی، رحمت نسبت به افراد ضعیف، مدارا با همسایگان و خویشاوندان، انعطاف در برخورد با دشمنان، شفقت و دلسوزی برای زنان، کودکان و سالمندان، و برخورد شکیب‌با کسانی است که شکست خورده‌اند (السباعی، ۱۴۱۸: ۷۳). از آنجاکه در دیدگاه نظریه‌پردازان برجسته، تمامی اجزای تشکیل‌دهنده یک جامعه نقش مهمی در رشد و پیشرفت تمدن ایفا می‌کنند، علاوه بر مردم و گروه‌های اجتماعی، عناصر دیگری مانند محیط‌زیست، گونه‌های گیاهی و جانوری نیز به‌عنوان بخش‌های مهم و تأثیرگذار شناخته می‌شوند. در همین راستا، سباعی بر این نکته تأکید می‌کند که در دین اسلام و قوانین اسلامی، هیچ‌کس مجاز به تجاوز به حقوق حیوانات نیست (سباعی، ۱۳۵۷: ۷۱). زیرا آن‌ها نیز، همچون انسان‌ها، دارای ویژگی‌ها، طبیعت و احساسات منحصر به فرد خود هستند (السباعی، ۱۴۱۸: ۸۶). «نمازگزار موظف است در صورتی که کسی را در معرض خطر یا غرق شدن یافت، فوراً نماز خود را قطع کند و در نجات و کمک به وی تلاش کند.» سباعی کشتن حیوانات بی‌آزار را که بر اثر پیری فاقد هرگونه ارزش انتفاعی باشند، مانند اسب‌های مریض و ازکارافتاده جایز نمی‌داند و تأکید دارد که اگر کسی از غذا دادن به حیوان خود خودداری کند، حاکم اسلامی باید او را مجبور کند تا آن را بفروشد یا در مرتعی که خوراکش را می‌یابد رها سازد و اگر از حیوانات حلال‌گوشت باشد، آن را ذبح کند (السباعی، ۱۴۱۸: ۷۳).

۸. توجه به اصل آزادی

یکی از اصول مهمی که سباعی به‌عنوان قانون کاربردی برای جوامع معاصر بر آن تأکید می‌کند، اصل آزادی است. از دیدگاه او، در اسلام هیچ فردی تحت مالکیت مردم یا حاکمان

قرار ندارد؛ بلکه حکومت‌ها وظیفه دارند به‌عنوان خدمتگزاران مردم عمل کنند. بر همین اساس، دولت‌ها نیز حق تعرض و تجاوز به ملت‌های دیگر را ندارند و در صورت چنین رفتارهایی، دین اسلام مردم را به دفاع از حقوقشان فرا می‌خواند. همچنین لازم است ملت‌هایی که تحت ظلم قرار گرفته‌اند، از حمایت دیگر ملت‌ها برخوردار شوند. از نگاه سبائی، آزادی تنها به حوزه‌های فردی محدود نمی‌شود و در زمینه‌های دینی نیز به این اصل توجه شده است (السبائی، ۱۴۱۸: ۸-۸۲). او معتقد است که تعامل ادیان و باورهای متنوع در جامعه‌ای اسلامی می‌تواند منجر به شکل‌گیری تمدنی پیشرفته شود. آزادی در اظهارنظر، انتخاب دولت، و انتقاد از حکمرانان، از ویژگی‌های برجسته دین اسلام به‌شمار می‌آید و همین اصول زمینه‌ساز تحقق جامعه‌ای پویا و مرفعی است (السبائی، ۱۴۱۸: ۸۷-۸۸).

۹. اهمیت دانش و تعقل

سبائی به اهمیت علم در قلمرو اسلامی پرداخته و به تأسیس نخستین مدارس در این قلمرو اشاره کرده است. وی تأکید می‌کند که مساجد اولیه، علاوه بر عبادت، نقش نخستین مدرسه را ایفا می‌کردند و مکانی برای آموزش و یادگیری بودند. پس از آن، با توجه به جایگاه ویژه علم‌آموزی در دین اسلام، مراکز علمی در شکل‌های متنوع‌تر و پیشرفته‌تری ایجاد شدند (السبائی، ۱۴۱۸: ۱۰۰). رویکرد اصلی سبائی در خصوص تمدن به موضوع اندیشه، تفکر و رهایی از خرافات مرتبط است. وی در این خصوص می‌گوید: «اسلام حرکت فکری انسان و فعالیتش را در نهایت و نهاد خاصی محدود نمی‌کند، بلکه حوزه فکری او را تا تدبیر در آفرینش آسمان‌ها و زمین و همه پدیده‌های هستی گسترش می‌دهد و راه وصول به این واقعیت‌ها را تجربه، تفکر و قول صادق می‌داند و پیداست که انسان در این‌گونه جو آزاد علمی می‌تواند با مطالعه و تحقیق در متون دینی واقع را دریابد و باور کند.» (السبائی، ۱۴۱۸: ۸۵). به گفته سبائی اهمیت علم و علم‌آموزی موجب شده که دین اسلام برای این موضوع محدودیت یا مرزی قائل نباشد (السبائی، ۱۴۱۸: ۹۶). چراکه به گفته او «در اسلام

علم دارای موضوعی مشخص و محدود نیست و همه‌جا این کلمه به طور مطلق بیان شده و متعین در حدی خاص یا مشروط به شرایطی نیست، اما تعیین آن در فقه و اخلاق و تقسیمات و مراتبی که در معنی روایات آمده به لحاظ اهمیت یا تقدم ذاتی یک موضوع بر سایر موضوعات است، وگرنه مدلول علم هرگونه آگاهی که سعادت انسان را در این جهان و جهان دیگر تأمین کند، در برمی‌گیرد.» (السباعی، ۱۴۱۸: ۹۷). یکی از ویژگی‌های برجسته حکومت پیامبر تطابق آن با اصول و استدلال عقلانی است. بر همین اساس، سباعی بر این باور است که برخلاف دیگر پیامبران، آنچه باعث جذب بیشتر مردم به سوی پیامبر شد، تأکید بر استدلال و جایگاه عقل در نظام مدیریتی او بود. وی در این زمینه به آیات ۵۰ و ۵۱ سوره عنکبوت اشاره می‌کند، جایی که خداوند در پاسخ به کسانی که از پیامبر انتظار معجزه داشتند، بیان می‌کند که دلیلی قوی‌تر از قرآن وجود ندارد. رجوع به قرآن بر پایه منطق و استدلال عقلی، بیش از هر معجزه دیگری انسان را نسبت به حقانیت پیامبر آگاه می‌سازد (سباعی، ۱۳۹۲: ۱۲-۱۴).

۱۰. ضرورت یکپارچگی و وحدت در جامعه اسلامی

به باور سباعی، انسجام جامعه از طریق وحدت و همبستگی میان مردم شکل می‌گیرد. از این رو، مسلمانان نباید تحت تأثیر توطئه‌ها و دخالت‌های دشمنان اسلام قرار بگیرند. این مسئله یادآور وقایع تلخی است که در دوران خلافت امام علی (ع) رخ داد و منجر به جنگ‌های داخلی شد که مسلمانان را دچار آسیب‌های جدی کرد. متأسفانه، این اختلافات همچنان در جامعه اسلامی مشاهده می‌شود. او عوامل نزاع‌های داخلی دوران خلافت امام علی (ع) را به دشمنان و یهودیان نسبت می‌دهد (سباعی، ۱۳۹۴ ج: ۹). به گفته سباعی، یکی از برجسته‌ترین اقدامات پیامبر در ابتدای ورود به مدینه، باهدف پیشگیری از تفرقه و پراکندگی، تأسیس مسجد قبا و تنظیم پیمان اخوت میان مهاجران و انصار بود تا بدین وسیله به اختلافات و دشمنی‌های میان آن‌ها پایان داده شود (سباعی، ۱۳۹۴ ب: ۲۳). براین اساس،

اگر مردم از سخنان امام و خلیفه پیروی نکنند، خلیفه توانایی مدیریت جامعه را از دست خواهد داد. به همین دلیل، امام علی (ع) نیز به دلیل نافرمانی برخی یاران خود با مشکلاتی روبه‌رو شد و سرانجام به دست همان عده به شهادت رسید؛ بنابراین، اجماع و هماهنگی یاران و اعضای جامعه با نظر خلیفه، شرط اساسی برای استمرار حکومت‌های اسلامی است. با در نظر گرفتن این امر، از همه مسلمانان، اعم از شیعه و سنی، خواسته می‌شود تا اتحاد و همبستگی خود را حفظ کرده و آن را قربانی کینه‌ورزی‌ها نکنند تا بیش از این زمینه را برای سوءاستفاده دشمنان اسلام فراهم نسازند (سباعی، ۱۳۹۴ الف: ۱۴-۱۵).

۱۱. اهمیت ایجاد عزت نفس در مسلمانان

از دیدگاه سباعی، یک مسلمان واقعی نه به بیماری خودکم‌بینی گرفتار می‌شود و نه به غرور و خودپسندی دچار می‌گردد. چنین فردی از خودباوری و عزت نفس برخوردار است، توانمندی‌ها و موقعیت‌هایش را ارزشمند می‌داند و از آن‌ها به درستی بهره می‌برد. در غیر این صورت، جامعه اسلامی با مشکلات متعددی روبه‌رو خواهد شد، چراکه یکی از عوامل نفوذ فرهنگی و سیاسی دشمنان به مرزهای جهان اسلام همین احساس خودکم‌بینی است (سباعی، ۱۳۹۴ د: ۵-۶). این حس موجب می‌شود که جامعه قادر به خلق رویدادها و تحولات اجتماعی اثرگذار نباشد. سباعی برای تأکید بر این موضوع اشاره می‌کند که کسانی که تاریخ را با کارها و حماسه‌های برجسته خود پر کرده‌اند و در جامعه فعال هستند، انسان‌هایی مشابه دیگران بوده‌اند، با همان استعدادها و توانایی‌ها؛ اما تنها تفاوتشان این است که به خودباوری رسیده‌اند و ارزش استعدادهای خود را شناخته‌اند. او همچنین این بیماری را در برخی حکمرانان چنین توصیف می‌کند: برخی از حاکمان خود را در برابر مردم برتر و شایسته‌تر می‌بینند، اما در برابر دشمنان ضعیف و ناتوان عمل می‌کنند. از این‌رو به مردم ظلم کرده و در برابر دشمنان گردن خم می‌کنند. این در حالی است که پیامبر اکرم (ص) همواره عزت نفس داشت و هیچ‌گاه دچار غرور یا تکبر نشد. سباعی در راستای تأکید

بر این مسئله، به آیات گوناگون قرآن استناد می‌کند که در آن‌ها بر اهمیت عزت نفس اشاره شده است. یکی از این آیات چنین بیان می‌کند: خود را سست و خوار نپندارید و غمگین نباشید، اگر واقعاً از اهل ایمان هستید (آل عمران، آیه ۱۳۹). بر این مبنا، سباعی معتقد است که تنها از طریق خودباوری حقیقی که از دین اسلام و سیره پیامبر سرچشمه می‌گیرد، جامعه اسلامی به شکوه تمدنی دست می‌یابد و ضعف و انفعال در آن جایگاهی نخواهد داشت. (سباعی، ۱۳۵۷: ۱-۱۶).

نتیجه

باتوجه به تلاش‌های جنبش اخوان المسلمین در دفاع از اصول اسلامی و تلاش برای احیای آن‌ها، شاخه سوریه این جنبش نیز با همین هدف شکل گرفت. اعضای این گروه کوشیدند تا بر اساس ایدئولوژی مشخصی که با اصول اسلام همخوانی دارد، فعالیت‌های اجتماعی و سیاسی خود را هدایت کنند. مصطفی سباعی، به عنوان رهبر این گروه، با این باور که در اسلام تمامی قوانین موردنیاز برای تطبیق مسلمانان با مفاهیم دنیای مدرن مانند دموکراسی، آزادی، سوسیالیسم و موارد مشابه وجود دارد، کتابی در زمینه تمدن نوشت. او در این اثر از قوانین اسلامی حمایت کرده و دلایل خود را برای ضرورت به‌کارگیری آن‌ها ارائه کرده است. رویکردهای تمدنی سباعی کاملاً در راستای حمایت از حکومت اسلامی بوده و او ضمن پذیرش تحولات دنیای مدرن، تأکید می‌کند که اسلام توانایی هماهنگی با اصولی را دارد که موجب پیشرفت یک تمدن می‌شود. او با توضیح و تبیین اصول تمدن‌ساز در دین اسلام، این ادعا را به اثبات می‌رساند. به بیان دیگر، سباعی نه مخالف مفاهیم مدرن است و نه به دنبال مقابله با آنها از طریق ابزارهای دین اسلام. بلکه او تلاش می‌کند این تفکر را به مخاطبان منتقل کند که اسلام همه نیازهای انسان را در بر دارد؛ چه این نیازها مرتبط با سوسیالیسم باشد، چه دموکراسی و یا حتی مفاهیمی که هنوز در فرهنگ لغت ما ناشناخته هستند.

کتابنامه

- اباذری، یوسف (۱۳۹۰). فراروایت تمدن یا فرایند تمدن‌ها؛ خوانشی از پروبلماتیک فرهنگ - تمدن. فصلنامه تحقیقات فرهنگی، ۴(۲)، صص ۱-۱۹.
- برقوقی، عبدالرحمن (۱۹۴۰). التراث اليونانی فی الحضارة الاسلامیه: دراسات لكبار المستشرقین. قاهره: مكتبة النهضة.
- الحسینی، اسحاق موسی (۱۳۷۷). اخوان المسلمین بزرگ‌ترین جنبش اسلامی معاصر. ترجمه سیدهادی خسروشاهی، تهران: انتشارات اطلاعات.
- پولادی، کمال (۱۳۹۰). تاریخ اندیشه سیاسی در ایران و اسلام. تهران: نشر مرکز.
- حسان، حسان عبدالله (۲۰۲۰). الفكر الإصلاحی والوعی بقضايا الاستشراق مصطفى السباعی (۱۹۱۵-۱۹۶۴) نموذجاً. دراسات الاستشراقية. العدد ۲۳.
- دکم‌جیان، ریچارد هرایر (۱۳۷۷). جنبش‌های اسلامی معاصر در جهان عرب. ترجمه حمید احمدی، تهران: کیهان.
- دورانت، ویلیام جیمز (۱۴۰۱). لذات فلسفه. ترجمه عباس زریاب خویی، تهران: انتشارات علمی و فرهنگی.
- دورانت، ویلیام جیمز (۱۳۸۰). تاریخ تمدن: مشرق‌زمین گاهواره تمدن. ج ۱، تهران: علمی و فرهنگی.
- ذوالفقاری، سید محمد (۱۳۸۹). جریان اخوان‌المسلمین در خاورمیانه. فصلنامه پژوهش‌های منطقه‌ای، ش ۳.
- زرزور، عدنان محمد (۲۰۰۰). مصطفى السباعی: الداعیه المجدد، ۱۳۳۳-۱۳۸۴/۱۹۱۵-۱۹۶۴. دمشق: بی‌نا.
- سامی، شمس‌الدین (۱۳۰۲). مدنیت اسلامی. استانبول: مهران.
- سایت عقیده (۱۳۹۴). فرهیختگان تاریخ معاصر. www.aqeedeh.com.
- السباعی، مصطفى (۱۹۶۲/۱۳۸۱). الاشتراكية الاسلام. قاهره: بی‌نا.
- السباعی، مصطفى (۱۴۲۷). السنة و مكانتها فی التشريع الاسلامی. ج ۱. بیروت: المكتب الإسلامی.
- السباعی، مصطفى (۱۴۱۸). من روائع حضارتنا، قاهره: دار السلام للنشر و التوزيع.
- سباعی، مصطفى (۱۳۵۷). جامعه توحیدی اسلام و عدالت اجتماعی. تهران: حکمت.
- سباعی، مصطفى (۱۳۹۲). سیرت رسول‌الله. ترجمه مسعوده جامی‌الاحمدی. انتشارات اصلاح افکار.

سباعی، مصطفی (۱۳۹۴ الف). سنت و جایگاه آن در شریعت اسلامی. ترجمه عبدالحکیم عثمانی، بی‌جا: انتشارات سنت احمد.

سباعی، مصطفی (۱۳۹۴ ب). زندگانی حضرت محمد و خلفای راشدین. ترجمه احمد ازغ، بی‌جا: بی‌نا.

سباعی، مصطفی (۱۳۹۴ ج). زندگی حضرت علی. ترجمه امیرصادق تبریزی. بی‌جا: بی‌نا.

سباعی، مصطفی (۱۳۹۴ د). اخلاق اجتماعی برای همه. ترجمه عبدالعزیز سلیمی. محل نشر: بی‌نا
صناعی دره‌بیدی، منوچهر (۱۳۷۶). فلسفه دکارت. تهران: انتشارات الهدی.

صفایی‌پور، مسعود، سجادیان، مهیار (۱۳۹۵). جستاری بر برنامه‌ریزی فضایی و نظام شهرسازی مبتنی بر ایدئولوژی سوسیالیسم. جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری چشم‌انداز زاگرس، ش ۳۱، صص ۳۲۳-۲۶۳.

طنطاوی، رفاعه رافع (۲۰۱۱). تخلص الابرز فی تلخیص باریز. القاهرة، موقع صفحات.

عبدالله، دلال (۲۰۰۷). الاسلامیون و الدیمقراطیه فی السوریا: حصید و سریم. قاهره: بی‌نا.
عبدالحسین، زرین‌کوب (۱۳۸۱). کارنامه اسلام. تهران: امیرکبیر.

عقیل، عبدالله (۲۰۰۵). من اعلام الدعوه و الحركه الاسلامیه المعاصره. قاهره: بی‌نا.

علیخانی، علی‌اکبر (۱۳۸۴). اندیشه سیاسی در جهان اسلام از فروپاشی خلافت عثمانی. ج ۲، تهران: جهاد دانشگاهی.

فراستخواه، مقصود (۱۳۷۷). سرآغاز نواندیشی دینی و غیردینی از سده نوزدهم تا اوایل سده بیستم. تهران: شرکت سهامی انتشار.

کردعلی، محمد (۱۹۶۸). الاسلام و الحضارة العربیة. الجزء الاول. قاهره: الدار الکتب المصریة.

هانگینگتون، ساموئل (۱۳۷۴). نظریه برخورد تمدن‌ها. ترجمه مجتبی امیری، تهران: دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی.

یوهانس رایسنر (۲۰۰۵). الحركات الاسلامیه فی السوریه، من الاربعینات و حتی نهائیه عهدالشیشکی. ترجمه محمد ابراهیم اتاسی، بیروت: بی‌نا.

